

آموزش عملی نگارش و ویرایش با رویکرد تطبیقی

شامل:

- ۱- مبانی ویرایش
- ۲- انواع ویراستاری
- ۳- آموزش ویراستاری
- ۴- کارگاه ویرایش
- ۵- آشنایی با اصطلاحات چاپ و نشر (ویژه ویراستاران)

مولفان:

زینب کرمی

حشمت الله کولیوند

دبیر ادبیات دبیرستان های تهران

استادیار مراکز آموزش عالی

سرشناسه : کولیوند، حشمت‌الله، ۱۳۴۵ -
 عنوان و نام پدیدآور : آموزش عملی نگارش و ویرایش با رویکرد تطبیقی شامل: ۱. مبانی ویرایش، ۲. انواع ویراستاری، ۳. آموزش ویراستاری ... / مولفان حشمت‌الله کولیوند، زینب کرمی.
 مشخصات نشر : تهران: انتشارات اساتید ایران، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۲۸۰ ص.
 فرمست : مجموعه تکمیلی آموزش زبان فارسی؛ ۲:
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۸۶-۲۳-۵ : ۵۰۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : ویراستاری
 موضوع : فن نگارش
 شناسه افزوده : کرمی، زینب، ۱۳۵۲ -
 رده بندی کنگره : PN۱۶۲/۵۹۱۸ ۱۳۹۰
 رده بندی دیویی : ۸۰۸/۰۷۷
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۶۹۸۲

نام کتاب.....آموزش عملی نگارش و ویرایش با رویکرد تطبیقی

مولفان.....حشمت الله کولیوند - زینب کرمی

ناشر.....انتشارات اساتید ایران

تایپ و صفحه آرایی.....مهمان کولیوند

چاپ اول ۹۳

شمارگان.....۳۰۰۰ جلد

قیمت.....۵۰۰۰ تومان

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۸۶-۲۳-۵.....ISBN978-964-6386-22-5

تلفن مرکز پخش.....۶۶۵۷۲۴۹۰

فهرست مطالب

ردیف	عنوان	صفحه	ردیف	عنوان	صفحه
۱	مقدمه	۵	۲۱	تمرین ویرایش (۲)	۱۷۸
۲	بخش اول: مبانی ویرایش از بیان تا عمل	۱۶	۲۲	فعالیت آموزشی	۱۹۳
۳	مبانی نظری ویرایش	۱۷	۲۳	ویرایش عملی متن	۱۹۳
۴	تاریخچه ویراستاری	۱۹	۲۴	ایراد حسنو در جملات	۱۹۵
۵	ویراستار و مصحح	۳۰	۲۵	درست نویسی (گام چهارم)	۲۰۸
۶	ویراستاران و وظایف آنان	۳۲	۲۶	پاورقی و ارجاع	۲۱۱
۷	انواع ویرایش	۳۷	۲۷	علامت های سجا وندی	۲۲۴
۸	شرحی بر عملیات فنی ویرایش و نگارش	۳۹	۲۸	پیوست ها	۲۳۱
۹	کتاب تالیفی و شرایط ویراستاری آن	۴۳	۲۹	بخش دوم - کتاب از طرح تا تولید	۲۳۶
۱۰	نکات نگارش و ویرایش رایج (گام اول)	۴۸	۳۰	واژگان نگارش و تولید کتاب	۲۳۷
۱۱	گامی فراتر در ویرایش	۵۲	۳۱	قطع کتاب	۲۳۹
۱۲	نمونه عملی ویرایش (۱)	۵۸	۳۲	انواع جلد کتاب	۲۴۱
۱۳	کارگاه ویرایش (۱) در نشر فارسی	۶۲	۳۳	صحافی و مراحل آن	۲۴۲
۱۴	کارگاه ویرایش (۲) در ترجمه	۷۲	۳۴	حق تالیف	۲۴۶
۱۵	درست تر نویسی الفاظ (گام اول)	۸۵	۳۵	نشانه گذاری مطبع	۲۴۷
۱۶	درست تر نویسی الفاظ (گام دوم)	۱۴۹	۳۶	چاپ و اصطلاحات آن	۲۶۰
۱۷	دراز نویسی جملات و افعال	۱۵۲	۳۷	اصطلاحات ویرایش در چاپخانه	۲۵۱
۱۸	توصیه های دستوری	۱۵۹	۳۸	کاغذ و انواع آن	۲۷۱
۱۹	دانشتنی های آموزشی (گام سوم)	۱۶۷	۳۹	یادآوری نشانه های اختصاری ویرایش	۲۷۵
۲۰	تمرین ویرایش (۱)	۱۷۵	۴۰	منابع و مآخذ	۲۸۱

به نام آن که هر چه هست از اوست

" اهمیت ویراستاری بسیار بیشتر از نویسندگی است "

مقدمه

در این دنیا، هیچ چیزی بدون انگیزه پا به عرصه وجود و هستی نگذاشته است. و این زایش ها بدون درد و مشکلات نبوده است. آنچه که در اینجا باعث و برانگیزاننده اینجانب در تدوین این مجموعه گردید؛ درد نگارش و آیین نگارش در زبان فارسی است که هرگاه پس از مدت زمانی وقفه از زبان استادی صاحب دل و درد آشنای به زبان فارسی - این دردها و کمبودها - مطرح می گردد و مانند ابر بهاری با عمر کوتاه به فراموشی سپرده می شوند. در این مختصر سعی شده است به گوشه ای از این دردها پرداخته شود.

مهمترین مشکلات نگارش در کشور ایران:

۱- کمبود نیروی کارآمد در رسانه ها و به ویژه مطبوعات و رادیو و تلویزیون:

در دنیایی که شاهد رشد سریع مطبوعات، نشریات و کتب از سوی سازمان ها وزارت خانه ها و اشخاص هستیم، اولین مشکلی که ذهن همه افراد را به خود متوجه می سازد، تأمین نیروی انسانی است. خبرنگار، مفسر و نویسنده و... کالایی یدکی نیستند که سریع بتوان تهیه کرد بلکه نیازمند آموزش و تجربه و فن آوری خاصی است که از عهده هر شخصی بیرون است؛ لذا اولین کار ناشران استمداد از

افراد سایر نشریات و ارگان‌ها می‌باشد و از اینجاست که پدیده‌ی «چند شغلی» در امر نگارش مطبوعات و نشریات بوجود می‌آید و کسانی پیدا می‌شوند که در آن واحد برای سه یا چهار و حتی پنج نشریه خبر و مطلب تهیه می‌کنند؛ طبیعی است برنویسی مساوی است با سطحی نوشتن و تکراری نوشتن!

کمبود نیروی انسانی و کارآمد تنها به مطبوعات و رسانه‌ها برنمی‌گردد. بلکه تربیت نیروی انسانی نیز متناسب با روند رشد نبوده و یا اگر کافی باشند با توجه به گرفتاری‌های زندگی و شغلی در عصر جدید، خود را در برابر سلاح پیشرفته رسانه‌ها در جهان پراسلوب آموزشی آماده نمی‌کنند که نمونه‌ی آنرا می‌توان دبیران ادبیات در دبیرستانها و مدارس راهنمایی و ابتدایی و کادر اداری وزارت خانه‌هایپیدا کرد که در امر نگارش و فراگیری شیوه‌های نوین نگارش کوتاهی و تعطل می‌نمایند.

۲- عدم توجه به استعدادهای درخشان در امر آموزش ادب فارسی . دستور و نگارش:

توجه و دلسوزی؛ به احیای زبان فارسی و تقویت نگارش کمک خواهد کرد . افراد مجری آن باید از استعداد ویژه و زمان کافی برای مطالعه و پژوهش برخوردار باشند. باگسترش دانشکده‌های ادبیات و با عناوین مختلف در این سالیان، سهم رشته ادبیات از استعدادها، ته‌مانده‌ها و غریبال شده‌های رشته‌های مختلف کنکور است و ارایه مدارک کاردانی و کارشناسی ادبیات فارسی به آنها، شرطی و طرحی ناقص است برای گسترش زبان فارسی . شاید بهترین راه این باشد که امکاناتی فراهم شود تا علاقه به زبان فارسی از دوران مختلف تحصیلی و پایین‌تر از دانشگاه شروع گردد و این استعدادها شناسایی و پرورش داده شوند و اگر بعداً گذرشان به

دانشکده هم افتاد زهی خوش شانس و اگر وارد کادر اجرایی سازمانهای دیگر نیز شوند از مغالطه کاری و اشتباه به ویژه درنامه های اداری کاسته می شود.

۳- واهمه ی مزمن دانش آموزان از پرداختن به نوشتن و ...

آینده سازان زبان فارسی به خاطر بی توجهی دبیران ادبیات و یا ضعیف بودن دیگر دبیرانی که برای تدریس ادبیات در مدارس مشغول می شوند؛ با سرخوردگی و ملالتی و دلخیزی خاص به درس انشا می نگرند. دبیران مختلف با سلیقه ها و معلومات مختلف نه تنها هدف غایی از درس ادبیات را در ذهن دانش آموزان زنده نمی کنند بلکه آنرا بصورت درسی مکمل معدل و نمره آور در کنار درسهای دیگری مانند ریاضی (حسابان) و شیمی و فیزیک کرده اند. و همین عامل باعث شده است که قسمت قابل ملاحظه ای از جوانانی که هر سال دیپلم می گیرند از نوشتن یک نامه عادی با نثری معمولی و برای بیان مقصودی پیش پا افتاده عاجزند.

۴- زمینه سازی تمرین و آموزش همگانی:

اکثر افراد جامعه و دانش آموزان ما، آن مایه نگری و تعداد واژه ای که برای نوشتن و شروع کردن لازم دارند، در مخیله خود دارند اما نداشتن تمرین و عدم راهنمایی افراد، مانع شکوفایی استعدادهای آنان شده است. بررسی نکات نگارش انشا در دبیرستان ها و مدارس دیگر، توجه به نوشتن روزنامه دیواری در مدارس و مساجد و اماکن عمومی یکی از راه های کم هزینه و سریع نتیجه رشد نگارش افراد است که چند نتیجه دیگر را نیز عاید جامعه می نماید از جمله افزایش آگاهی

های مختلف، دقت بیشتر در امر مطالعه و روزنامه خوانی و از همه مهمتر احیای زبان مادری و زبان مقتدر فارسی و.....

۵- احساس تعهد رسانه‌ها به امر آیین نگارش:

رسانه‌ها که وسایل ارتباط جمعی دنیای امروز (رادیو، تلویزیون، مطبوعات) نامیده می‌شوند گاه با غلط‌های چاپ و نگارش، به مخاطبین می‌رسند و این نیازمند توجه بیشتر و مراعات و پیرایش آن از لغات غیر اصولی و شایع است. از دیگر ضعفهای رسانه‌ها عدم هماهنگی با همدیگر در بکار بردن واژه‌های جدید از جانب فرهنگستان می‌باشد.

۶- گفتار به جای عمل:

آنچه که بر چاپ رسانه‌های نوشتاری یا حکومت می‌کند مادیات است. در تمام این کشور صاحب‌نظر در امر نگارش و ویرایش اگر به وفور نداشته باشیم، دلیل بر نبودن این افراد نیست، اما متضمن پرداخت هزینه است و با اینکه مسئولین رسانه‌ها درد نگارش را می‌دانند، اما به راحتی از کنار آن می‌گذرند. در مجلات اخبار ورزشی، علمی، هنری، مطالب ادبی و یا سرگرم کننده وجود دارد، اما در بعضی از آنها در یک صفحه‌ی داخلی در یک چارت کوچک، لطف می‌نمایند چند سطر تحت عنوان چگونه بنویسیم و یا زبان فارسی را پاس بداریم. چاپ می‌شود، اما همین نشریات در چاپ‌های بعدی خود به گفتار قبلی خود عمل نمی‌نمایند. مثلاً شبکه پیام دارای غلط‌های چاپی و ... در روی صفحه نمایش خود است.

۷- تعیین هدف و روش احیای نگارش:

در اغلب منابع بلای تحریف مسلط شده است. مثلاً دستهای غرض آلود مستشرقان، یهودیان، مسلمانان مقلد، حتی ماتریالیست‌ها و استعمارگران بسیاری از حقایق اسلامی را آلوده کرده و ناقص جلوه داده‌اند. در جایی که برخی از منابع از سوی دوستان نادان و یا دشمنان زیر دست آلوده شده است، در حالیکه انواع گستره برداریها و وام‌گیری‌ها بر زبان فارسی تحمیل شده است، باید برای مردم و مسئولین این امر آشکار شود که هدف: بازگشت به اتحاد و احیای زبان فارسی است و اینکه عبارات عربی را تبدیل به فارسی می‌نمایند دلیل بر غرض ورزی با اسلام است گفته‌ای است غلط و بیگانگان و بقول "جلال آل احمد" تبلیغ این انگورهای نوآورده غرب است و احیای زبان فارسی زمینه گسترش بیشتر اسلام و عقاید اسلامی را نیز فراهم می‌نماید که کلام گهربار حضرت علی(ع) در آغاز سخن بهترین راهنماست.

راه درست: منظم کردن عبارات برای نتیجه‌گیری‌های صحیح است و تلاشی است برای پیدا کردن بهترین راه که در سایه آن بتوان به حقیقت رسید و اشتباهات و انحرافات را به حداقل رسانید. روش‌های علمی و غیر علمی را برای مردم و سایر دست اندرکاران بیان نمود تا هم زودتر به هدف برسیم و هم ضایعات ملی و مالی را به حداقل برسانیم. شستشوی مغزی و ذهنی در اینجا ادبی است نه دینی و اعتقادی و وفاداری به این طرح‌ها؛ وفاداری به دین و کشور است.

۸- تعیین ملاک‌ها در امر نگارش:

در مسیر تغییر واژگانی و رسم‌الخط فارسی قطعاً به نظراتی صحیح یا سقیم برمی‌خوریم. امروزه ملاک اظهار نظرها یکسان نیست نمی‌توان به مسموعات اعتماد

داشت و یا به نوشته‌ها؛ زیرا آنچه را که در کتب دبیرستان برای رسم الخطّ املا ذکر شده است برخلاف آن رسم الخطّ می‌توان در روزنامه‌های یومیه که جدیدترین مطالب را می‌نویسند، پیدا نمود و هیچ شخصی مسئولیت انتقاد بر این آقایان را نیز برعهده ندارد. ترکیب‌هایی که ساخته می‌شود گاه دور از ذهن هستند در حالیکه باید بین ترکیب جانشین شده رابطه تفاهمی و ذهنی نیز وجود داشته باشد.

۹- اعمال سلیقه شخصی در تدوین و نگارش:

بسیاری از نگارش‌ها براساس اصول و قواعد تحقیق و مطالعه انجام نمی‌گیرد. تقریض‌هایی که با سوءاستفاده از نام اشخاص و استادان معتبر انجام می‌گیرد و در ابلائی این اهدا و تقدیم است که فکر فروش کتابی بر ویرایش و دقت در نگارش آن حکومت می‌نماید. همچنین به دست منابع و مآخذی که در پایان ذکر می‌گردد چنان طولانی می‌کنند که گویی لیست کتابخانه‌ای شخصی خود را برای خریدار جدید کتاب معرفی نموده‌اند و حتی بسیاری از ارجاعات با اصل آن مطابقت ندارد.

۱۰- عینک ایسم‌های غربی و شرقی:

در مقابل تلاش گروه‌های مختلف ادبیات فارسی، احساس مسئولیت سایر طبقات مردم نیز لازم می‌نماید. واژه‌های جدیدی که توسط جوانان و با مضامین‌ها برای استفاده‌های مادی و لذات شخصی وارد این کشور می‌شود، زمینه را برای واژه‌های دیگر و جدید وارداتی باز می‌نماید و باید جلوی رشد این روند تازه شکل گرفته نیز - که در میان طبقات مرفه و به اصطلاح بالای شهرنشین‌ها رواج

داده می‌شود- به نحوی مطلوب گرفته شود تا بتوان زنگار چند صد ساله ادبیات را

کنار زد والا کوششی است نافرجام!

دست و پنجه زبان نویس‌های امروزه نیز - زبان‌های سست و مبتذل پلیسی

و یا عشقی اما آبکی رمانتیک و ... - که به شکل‌های متنوع و زیبایی آرایش می‌یابند

خطر دیگری برای آینده نگارش فارسی است.

۱۱- تعلیم زبان فارسی از دیدگاه استاد ملک الشعرای بهار:

ایشان چنین می‌فرمایند: "که تا وقتی مردم خود را دوست دارند؛ بالطبع زاد و

بوم و زبان و کارنامه‌های خود را نیز دوست خواهند داشت". و این دوستی موجب

توجه به زاد و بوم، زبان و کارنامه‌ها گردیده و این توجه مستلزم بررسی و نگرش

شده و خود بررسی و نگرش سبب بنمود می‌گردد. پس مردم باید که میهن، زبان و

کارنامه‌های پدران خود را بررسی کرده و عیب‌های آن را کاسته و بزرز زیبایی و

رونق آن بیفزایند و این خود امری است طبیعی و این است راز پرورش و سرمایه

تمدن و پایه نخستین ترقی ملی و ... تا وقتی که مردمی شکست خورده و پیرو

قوانین ملت دیگری باشند، توجه آنها به خویشا من از لحاظ زبان، میهن و

کارنامه‌های کهن کم می‌شود و زیاده‌تر به ملت غالب و تاریخ و کارنامه‌های آن ملت

توجه و اعتنا می‌نمایند؛ اگر صرف و نحو لغت بنویسند، برای زبان فاتح و اگر

تاریخ برنگارند و اگر خدمتی بکنند به میهن و مرکز اصلی همان ملت غالب خواهد

بود حتی در ادبیات و اشعار هم میل دارند به زبان ملت پیروز سخن گویند.

...برای زنده نگه داشتن زبان و میهن ایران، کوشش‌های فراوانی در قرون سوم،

چهارم، پنجم و ششم شده و حزب شعوبه و ... در این راه جان‌ها کنده و کارها کرده‌اند و در نتیجه آن زحمتات آثار بزرگی مانند شاهنامه... و سایر تواریخ به وجود آمده است.

اما سيطرة پیروزی ملت غالب، از چندین نظر مانع کمال و جمال این جنبش گردیده و در بخش یک قرن، تنها تقلیدی از آن جنبش‌ها برجای مانده و حقیقتی که داشته است به تدریج از بین رفته است و علت اصلی این اوضاع، انقراض پادشاهان ایرانی نژاد و به زاری کار آمدن سلاطین اجنبی بوده است.

بسیاری از لغات و ترکیبات زبان زیبای فارسی که افتخار ادبیات ما بدان‌هاست مغلول و دست خودش خدش و تخمین شده‌اند؛ مثلاً گاهی دیده می‌شود، یک شعر که دارای یک لغت غریب است به چندین طریقی نوشته و خوانده یا معنی شده است. گاهی در یک فرهنگ فارسی یک لغت را به ده قسم و با ده املا نوشته و ده دوازده معنی تقریبی برای هر قسمتی تصور می‌کنند که بالاخره عاقبت نه لغت اصلی به دست آمده و نه معنی حقیقی درک می‌شود؛ که باید اختلاف در میان بعضی فضیلاى ایران هنوز این خطا پویی پابرجاست بنابراین، لازم است که نخست متن‌های قدیمی را از گرد و غبار نسیان شسته و از دستبرد کاتبان و نویسندگان بی‌انصاف که هر کلمه‌ای را که نفهمیده‌اند، عوض کرده و از کران سطری به کران سطر دیگر میان بر زده، و الفاظ قدیم را به میل خود با الفاظ معاصر بدل کرده‌اند؛ آزادی بخشیم و سپس به تهیه لغت و دستوری جامع و کامل اقدام شود و تاریخی در تطور نظم و نثر تدوین گردد تا از نتیجه مجسوع این کارها بتوان درسی تمام به

دانشجویان داد و آنان را برای شنآوری در این دریای بی‌پایان که اقیانوس ژرف و محیطی بی‌کنار است. آماده ساخت و همگنان را از بند و دام دستورها و برهان و آندراج‌ها، یا از خلاب السنه بیگانه آزادی و خلاص داد. دوستی این زاد و بوم و توجه به ادبیات آن؛ مستلزم بررسی و نگارش شده است و ما را در اینجا مقید می‌کند و بقول شاعر:

«همتی بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نو سفرم»

۱۲- دردی جالبتر و شیرین:

در این قسمت به دو موضوع می‌پردازیم: بعضی می‌گویند که نقص معلم است و این خطا را مرتکب می‌شویم که گمان کرده‌ایم فارسی درس دادن آسانترین کارهاست و هر کس که فارسی بخرد می‌زند لابد فارسی هم می‌تواند درس بدهد. و غالباً به دنبال این نرفته‌ایم که برای تدریس فارسی معلم صاحب صلاحیت پیدا کنیم یا تربیت کنیم و به این طریق قسمتی از معلمان فارسی ما آنچنان که باید صاحب صلاحیت نیستند. بحث در این است که نقصان نقص در معلم نیست. باید نقص اساسی در این باشد که اول نمی‌دانیم که چه می‌خواهیم و نمی‌دانیم که در هر کلاس و در هر دوره تحصیلی، چه چیز صریحی را می‌خواهیم شاگرد بیاموزد. امروزه به لطف نظام جدید آموزشی این پراکندگی و سردرگمی نمایان تر است.

موضوع دیگر اینکه تجربه نشان داده است که غالباً در مدارس ما، در رشته‌های مختلف، شاگردانی که در رشته غیر ادبیات تحصیل می‌کنند در قسمت ادبیات فارسی قوی تر و جلوتر هستند از کسانی که خود را گروه ادبیات فارسی می‌دانند.

غالباً آنها که در رشته ریاضی درس خوانده اند انشای فارسی شان بهتر است از آن‌ها که در رشته ادبیات فارسی درس خوانده‌اند. البته عده‌ای تصور می‌کنند که آنها که به رشته ادبیات وارد می‌شوند از استعداد کمتری برخوردارند و این تصور غلط است و باید بنا را براین بگذاریم که زبان رسمی و درست خواندن و درست نوشتن آن حفاظت از زبان را فراهم می‌کند و این به عهده تمام رشته‌هاست.

۱۳- تعطیل استعداد:

نقصی که ما در تدریس ادبیات و نگارش داریم این است که از شاگرد کمتر کار فکری می‌خواهیم. یعنی نقش در کلاس تلف می‌شود و به شاگرد روشی را نمی‌آموزیم که برای آموختن آن با ذهنش عملی انجام بدهد. شاید این مورد تأیید مطلب شماره ۱۲ نیز باشد آنها که شیمی می‌خوانند با ذهنشان عملی را انجام می‌دهند. ما باید درس ادبیات را از نگارش جدا کنیم و به هر یک در حد خود بها بدهیم و از دانش آموز فعالیت ذهنی و عملی بخواهیم و این حقیقت را به او بیاموزیم و بفهمانیم که این درس نیز در آینده کاری اثر تأثیر دارد تا بهتر بتوانند بخوانند و بهتر بنویسند. ورزش ذوقی و سرمایه اطلاعاتی همراه با دانستن شیوه درست نویسی، سطح کاربرد و فعالیت را بالاتر و مفیدتر می‌کند.

۱۴- دوری از آشفته‌گی در نگارش و تدوین متون:

در برابر تمام عواملی که تا اینجا ذکر شده، این دردها در نشر فارسی ایجاد آشفته‌گی کرده است و در بازار ادب فارسی هرج و مرج زیان آوری را بوجود آورده که پاسبانان نظم بخش آن هر کدام به سویی روان هستند. خود اساتید زبان ادب

فارسی نیز آثار خودشان با این مشکلات قرین است از جمله اینکه در نشرهایشان لغات خارجی را بکار می‌برند. البته آنهایی که فرنکی بوده و فرهنگستان برای آنها معادلی تدارک ندیده است منظور نیست. دیگر اینکه استادان ما باید توجه داشته باشند فارسی سره محل نشر شیوا و رسا است و پیراستن الفاظ عربی و دینی نشر فارسی را در تنگنایی جدید از لفظ و معنی قرار می‌دهد.

نکته دیگری که در نگارش جدید ایجاد شبهه کرده است ذوق آزمایی و قریحه‌ای برخورد کردن است. بسیاری از قواعد دستور جنبه تاریخی دارد که باید در ضمن گفتار و نوشتار و یا در هنگام آموزش و تعلیم به تفاوت آن با روش‌های ابداعی و عملی تر امروزی زبان شناسی توجه داشته باشند.

❧ امید است این مختصر گوشه‌ای از دردهای بی شمار تدریس متون فارسی و دردهای نگارش فارسی را بیان نموده باشد.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته. آذر ماه ۱۳۷۶